



جهاد توسعه



مقدمه:

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی و با توجه به اهداف و آرمانهای مقدس این نهضت عظیم و رهائی بخش، ضرورت سیاستگذاری و برنامه ریزی جامع جهت زدودن فقر و محرومیت‌های بجا مانده از رژیم شاهنشاهی و دستیابی به استقلال و رشد و توسعه کشور در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بشدت احساس گردیده است و ما امروز در مقابل امت‌مان و آینده کشورمان مسئول پاسخگویی به یک ضرورت اجتناب ناپذیر بعنوان انتخاب الگوی متناسب رشد و توسعه که با بسیج امکانات و منابع نیروی انسانی، فضائی از زندگی را ترسیم کند که زمینه رشد و تعالی انسان در آن مهیا بوده و عدالت اجتماعی در آن تأمین باشد، هستیم.

پایبندی به اصول و ارزشهای متعالی اسلامی و ضرورت انتخاب الگوی مناسبی از رشد و توسعه که دربرگیرنده جنبه‌های مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد نیاز به فراهم نمودن زمینه‌های پژوهشی و مطالعه گسترده ابعاد موضوع و تبادل نظر و انتقال تجربیات را در رابطه با برنامه ریزی رشد و توسعه بوجود آورده است.

در راستای تلاش جهت فراهم آوردن چنین زمینه‌هایی اولین کنفرانس «روستا، رشد و توسعه» در تاریخ سوم، چهارم و پنجم تیرماه سال جاری توسط جهاد سازندگی در محل تالار وحدت برگزار شد.

موضوعات و محورهایی که توسط دفتر تحقیقات و بررسی مسائل روستائی در دعوتنامه تشکیل سمینار تعیین گشته بود بشرح زیر بود:

- ۱- مفهوم رشد و توسعه و ویژگیهای جامعه رشد یافته از دیدگاه اسلام.
 - ۲- برنامه ریزی توسعه (رشد) ملی در جمهوری اسلامی شامل اهداف، اولویتها و روشهای مناسب برنامه ریزی.
 - ۳- نقش روستا در رشد و توسعه کشور.
 - ۴- سیاست گذاری و سازماندهی مناسب جهت توسعه مناطق روستائی شامل سازمان و مدیریت، قانون و قانونگذاری و نقش مردم.
 - ۵- نقش کشاورزی در توسعه ملی و ارتباط آن با توسعه مناطق روستائی (ترویج و تحقیق، نظام بهره برداری، مکانیزاسیون، تولید و عرضه).
 - ۶- استقرار صنایع در روستا و نقش آن در رشد و توسعه ملی.
 - ۷- نقش و اهمیت آموزش در رشد جوامع روستائی.
- اما اینکه آیا کنفرانس «جایگاه روستا در برنامه ریزی رشد و توسعه» این اهداف را تعمیم

* برای پرداختن به مفهوم توسعه می‌بایست که از تمایل حرکت و توانائی مردم در جهت آن استفاده جست و این امر امکان پذیر نخواهد بود مگر با مشارکت دادن آنان در برنامه ریزی توسعه.

* روستائی باید با آموزش همگام با روند توسعه رشد کنند چرا که رشد کیفی روستا می‌تواند توسعه کمی را در راستای جامعه توسعه یافته اسلامی بدنبال داشته باشد وگرنه توسعه در مراحل تکامل خود به بن بست می‌رسد و روستا هویت اصلی خود را از دست خواهد داد، لذا باید در انتقال توسعه جهاد کرد، جهادی بنام جهاد توسعه.

داده و آیا سخنرانان توانستند حق مطلب روستا را در این سمینار ادا کنند، جای بحث و تأمل است. آنچه که از برگزاری این گردهمایی نصیب واحد تحقیقات و جهاد سازندگی شد تجربه‌ای بود بس بزرگ، تجربه‌ای که نشان داد هنوز بسیاری از دست اندرکاران جامعه ما روستا و درد آنرا نشناخته‌اند و بعبارت دیگر هنوز روستا و روستائی در برنامه ریزیهای ما نقشی را ایفا نمی‌کنند، با وجود ایفاد موضوعات سخنرانی از مدتها قبل توسط مسئولین برگزاری سمینار به سخنرانان، شاهد بودیم که اکثر مدعوین برای سخنرانی در صحبتشان به مسائل جنبی پرداخته و بعضاً از تنها چیزی که سخن نمی‌گفتند موضوع اعلام شده سخنرانی بود، بقول برادر لاهیجانیان عضو شورای مرکزی جهاد بطور کلی می‌توان گفت: روستا در این سمینار غریب بود.

با همه این تفصیلات همانگونه که ذکر شد برگزاری این سمینار تجربه‌ای بود گران که برای نخستین بار توسط جهاد به اجرا درآمد و به یقین موفقیت و بقای این تجربه در استمرار بحثهای این سمینار است. جهاد سازندگی امیدوار است که این گردهمایی نقطه حرکت و سرآغازی باشد برای گامهای بعدی، باشد که در آینده‌ای نزدیک شاهد برنامه ریزیهای هماهنگ، منسجم و وسیع در رابطه با استقلال، خود کفائی و رفع محرومیت در کشور باشیم.

کنفرانس سه روزه «روستا، رشد و توسعه» با پیام رئیس جمهور افتتاح شد و سپس در طول مدت برگزاری آن سخنرانان زیر در مورد مسائل مختلف روستاها و برنامه ریزی رشد و توسعه آن صحبت کردند.

برادر زنگنه وزیر جهاد سازندگی - آیت الله مهدوی کنی دبیر جامعه روحانیت مبارز و عضو شورای نگهبان در رابطه با مفهوم رشد و توسعه و ویژگیهای جامعه رشد یافته از دیدگاه اسلام.

دکتر ندیمی رئیس دانشگاه شهید بهشتی در رابطه با برنامه ریزی توسعه (رشد) ملی جمهوری اسلامی.

مهندس فولادی مدیرکل دفتر برنامه ریزی

منطقه ای وزارت برنامه و بودجه در رابطه با نقش روستا در رشد و توسعه کشور.

حجت الاسلام دری نجف آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در رابطه با برنامه ریزی توسعه (رشد) ملی.

آقای رضوی مدیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور در رابطه با سازماندهی مناسب جهت توسعه مناطق روستائی.

دکتر مشایخی استاد دانشگاه در مورد برنامه ریزی رشد و توسعه ملی در جمهوری اسلامی.

برادر فواد کریمی نماینده مجلس شورای اسلامی در رابطه با مفهوم رشد و توسعه ملی.

حجت الاسلام نادی نماینده مجلس شورای اسلامی در رابطه با اهداف و اولویتهای در برنامه ریزی ملی.

آقای مهندس سلیمانیا در رابطه با استقرار صنایع در روستا و نقش آن در رشد و توسعه ملی.

آقای دکتر حداد عادل در رابطه با نقش و اهمیت آموزش در رشد جوامع روستائی.

آقای مهندس داهی در رابطه با نقش کشاورزی در توسعه ملی و ارتباط آن با توسعه مناطق روستائی.

دو تن از اعضای شوراهای اسلامی روستائی اصفهان و خراسان در مورد نقش روستا در رشد و توسعه کشور و مشکلات مربوطه.

مهندس شفاعت مسئول مرکز تحقیقات روستائی جهاد سازندگی در رابطه با نقش روستا در رشد و توسعه کشور.

مهندس امانپور مسئول کمیته فنی جهاد سازندگی در رابطه با صنایع روستائی و برادر لاهیجانیان عضو شورای مرکزی جهاد در رابطه با جمع بندی سمینار و دیدگاههای جهاد.

مجله جهاد قصد دارد تا از این شماره بطور متناوب اقدام به درجه سخنرانیها و مقالات مطرح شده در این سمینار بنماید و برای شروع این کار سخنرانی برادر لاهیجانیان عضو شورای مرکزی جهاد را که در انتهای سمینار ایراد شده و حاوی جمع بندی کلی از برگزاری سمینار

می‌شود، انتخاب کردیم، با این امید که سلسله مطالب «گزارش سمینار...» که از این پس در مجله به چاپ خواهد رسید مورد استفاده شما خوانندگان قرار گرفته و ما را در جریان نظرات و پیشنهادات خود در رابطه با برگزاری کنفرانس روستا، رشد و توسعه و تداوم آن قرار دهید، نظرتان را به متن کامل این سخنرانی جلب می‌کنیم:



تعریف و تحلیل مکتبی توسعه:

و ضرب الله مثلا قریه کانت امنه مطمئنه یأتیها رزقها رعدا من کل مکان فکفرات بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا یصنون (سوره نحل آیه ۱۱۲)

در بحث توسعه شاید کمتر استنادی بر روی آیات قرآنی شده و یا در این زمینه کتابهایی نوشته شده باشد هر چند که در گوشه و کنار مطالبی مورد بحث است و در همین کنفرانس نیز تحلیلهایی از دید اسلام درباره توسعه اقتصادی - اجتماعی و یا یک جامعه توسعه یافته، گفته شد. بنظر من آیه‌ای که ذکر گردید می‌تواند تعریفی از یک جامعه توسعه یافته بدستمان بدهد: «خداوند تعال قریه‌ای را مثال می‌زند که دارای امنیت - اطمینان و وفور است و جامعه‌ای را توسعه یافته می‌داند که یک مشخصه چهارمی، سه مشخصه اول را تحت تأثیر قرار دهد.»

بقول مرحوم علامه طباطبائی انصاف قریه به این سه صفت (که عبارتند از امن و اطمینان و وسعت رزق و سرازیری همه جانبه نعمات مادی و صوری) برای اهل آن از هر طرف، مفهوم آنچه‌ی است که بزودی خداوند سبحان نعمات معنوی را بر آن نعمات اضافه می‌فرماید:

«ولقد جائهم رسول منهم». پس این قریه، قریه‌ای است که نعمات مادی و معنوی آن تام و کامل بوده است بنا بر این جامعه‌ای که از وفور و امنیت اقتصادی، اطمینان از حاکمیت سیاسی همچنین از یک مکتب توحیدی برخوردار است، جامعه توسعه یافته می‌باشد. اگر یک جامعه اعتقاد به مکتب، یعنی به عامل رشد و جهت دهنده انسان



بسوی خدا را از دست دهد ضرر به پذیر خواهد بود. بنابراین بر طبق تفسیر: «خداوند متعال قریه ای را مثال زده است که اهلس از هرسری که جان، عرز و مالشان را تهدید کند در امان بودند و برای برآوردن روزی و حاجت به پیمودن کوه و کمر نیازی نداشتند. رزق از هر جهت برایشان سرازیر بود ولی آنان نعمات الهی را کفران کردند و شکر آن را بجای نیاوردند خداوند نیز به اندکی از نعمت و عذاب خود گرفتارشان ساخت که آن نعمت اندک گرسنگی و ترس بود که مانند لباسی بر آن دیار محیط گردید و این نتیجه کفرانی بود که بطور مستمر بر خداوند ورزیدند»، این برداشت چنین نتیجه می دهد که حتی جامعه ای که از وفور اقتصادی برخوردار است موقعی که جهت گیری اش از سمت الهی خارج می شود، آن وفور در تخریب جامعه عمل می کند و تاثیراتی بر عدم امنیت و اطمینان برای جامعه بوجود می آورد که تزلزل در امنیت جامعه ایجاد می شود و ما اکنون شاهد آنیم که در کشورهای توسعه یافته، وفور

اقتصادی و حاکمیت بر اساس جهانخوارگی و جذب منافع، در کل حاکمیت آنها خوف بوجود می آورد و لباس عدم امنیت و تزلزل سیاسی آنها را احاطه می کند. حال اظهارات یک سیاستمدار آمریکائی بنام «مک نامرا» به سال ۱۹۷۲ در یک کنفرانس توسعه در مورد خطری که پیرو توسعه یافتگی کشورهای استکباری بوجود آمده است به این موضوع استناد بیشتری می بخشد: «یک فرقه گرایی اقتصاد شمال و جنوب وجود دارد، این شکاف یک گسل وسیع زمین لرزه ای در قشر جامعه شناختی کره زمین ایجاد کرده است. این گسل حتماً موجبات غرשהا و تکانهای مهیب خواهد شد، چنانچه ملل ثروتمند اقدام عاجلی برای پر کردن این شکاف بین نیمه خیلی معمور و پر رونق شمال کره زمین و نیمکره جنوبی گرسنه آن بعمل نیاورند هیچکس در نهایت امنیت نخواهد داشت، زرادخانه ها نیز هر چه بیشتر و بهتر تولید کنند چیزی تغییر نخواهد کرد.»

بنابراین توسعه یافتگی یک جامعه بدون جهت گیری بسوی الله و کفر ورزیدن به این شاخص اصلی موجبات تشدد عدم امنیت برای همان کشورهای استکباری خواهد شد که خود بر این مسئله اعتراف دارند در صورتی که ممالک ثروتمند اقدامی برای پر کردن شکافی که بر اثر غارت منابع ملی کشورهای توسعه نیافته بوجود آمده انجام ندهند باعث خواهد شد که بر علیه خودشان اقدام گردد که در نهایت هیچ احدی امنیت نخواهد داشت. از طرف دیگر خودشان نیز اعتراف دارند که زرادخانه ها نیز نمی توانند این غرشی که بر علیه کشورهای توسعه یافته بوجود آمده است را خاموش سازند و از تکانی که کشورهای توسعه یافته را ویران خواهد کرد جلوگیری بعمل آورند. حال کشورهای توسعه یافته تصور می کنند که با پر کردن این شکافها با عمران و معمور کردن کشورهای توسعه نیافته به شیوه خودشان می توانند از این خطر جلوگیری کرده و آنها را از عواقب کفران یعنی گرسنگی و عدم امنیت برحذر دارند. این مسئله باعث شده است که استکبار جهانی الگوهای توسعه ای را برای کشورهای جهان سوم طراحی کند که البته نمونه پیاده شده این الگوها بعلت ارج ننهادن به همان شاخصهای اصلی توسعه که ذکر گردید (یعنی توجه به امکان رشد و بهره برداری از امنیت انسان) و صرفاً دقت به وفور

اقتصادی و تولید بیشتر نتیجتاً مشاهده میشود که طرح با شکست رو برو می شود. چرا که انسان با جهت گیری بسوی خداوند و رشد فطرت او مد نظر گرفته نمی شود و شکست الگوهای توسعه در ایران و برزیل دلیلی است بر این مدعا. چه آنکه سرمایه گذارهای این کشورها نتیجه ای جز توسعه فقر عمومی و بالا بردن قرضها و وابستگی به استکبار جهانی، نابودی امکانات تولیدی و از میان رفتن انسانها چیز دیگری در بر نداشته است،

گذشته از نابودی انسان بر اثر وفور و از راهی که دنیای غرب در آن گام می نهد تا بتواند با وفور و بالا بردن سطح تکنولوژی، محدودیتهای انرژی را از میان بردارد نهایتاً بدنبال این گونه توسعه غرب به نابودی خواهد رسید؛ که خود بحثی است مستقل که باید در جائی دیگر از آن سخن گفت و تنها مکتبی که «رشد و تعالی انسان» را تضمین نماید خواهد توانست توسعه اقتصادی - اجتماعی واقعی را ارائه دهد. بهر حال بنظر می رسد که برنامه ریزی رشد و توسعه و مشکل لاینحل توسعه و پیشرفت در ممالکی چون ایران باید در گرو دستیابی به یک زیر بنای فرهنگی باشد. امروزه دیده می شود حتی کشورهایی که تصمیم بر توسعه اقتصادشان دارند با پدیده های ضد ارزشی رو برو هستند. یعنی جوامعی که در سمت و راستای توسعه سیر نمی کنند و اعتقاد به اهداف توسعه ندارند.

فساد، رشوه خواری، زراندوزی، باندبازی، پارتی بازی و بروکراسی که از نظام غلط اداری سرچشمه می گیرد فی الجمله فسادهای فرهنگی هستند که سد راه روند توسعه می باشند و نمی توان صرفاً از بعد اقتصادی به مسئله توجه کرد، پس باید به جهت فرهنگی آن بهای بیشتری پرداخت و گرنه رشد و نمو پدیده های ضد ارزشی در جامعه از توجه به سیاستها و برنامه های اساسی ممانعت بعمل خواهد آورد، و موجب عدم توجه کافی به سیاست و برنامه توسعه و کاهش کارائی و تأثیرگذاری سیاستها و برنامه ها خواهد شد که نهایتاً موجب می شود که خود برنامه ها بسیار مفید و بصورت وسیله ای در جهت تشدید همان نواقصی درآید که قرار بوده برطرف شود، حتی در روستا.

برنامه ریزی توسعه و جامعه آرمانی

بهر تقدیر در صورتی که قرار بر پرداختن به مفهوم توسعه در جامعه باشد باید که جامعه تمایل و حرکتی بسوی آن از خود نشان دهد و توانائی تحقق

بخشیدن بدان را داشته باشد. بوجود آوردن تمایل — توانائی و حرکت را در جامعه با ارائه یک برنامه توسعه و اجرای آن توسط دولت امکان پذیر نخواهد بود، چنانچه برنامه پنجساله رژیم شاه نیز نتوانسته است که اینگونه توسعه را فراهم آورد و مشاهده میشود که اثرات ناشی از آن نیز حتی از روند توسعه اقتصادی جلوگیری کرده و کلیه سرمایه گذاریهای بیگانه با فرهنگ مردم باعث ایجاد موسسات بسیار پیشرفته در کنار یک زندگی و تکنولوژی بسیار سنتی بطور بی روح و ایزوله خواهد شد و مردم خود به عوامل ضد روند توسعه درخواهند آمد.

برای مشارکت دادن مردم در برنامه ریزی توسعه، راههای متعددی وجود دارد. اولاً می بایست که اهداف آرمانیمان را در جامعه مطرح کنیم تا مردم به کم و کیف آن پی ببرند. ثانیاً یک تعریف مشخص، کامل و عاری از مفاهیم پیچیده را از توسعه و جامعه آرمانیمان به جامعه ارائه دهیم تا جامعه بر روی آن کار کرده و به تجزیه و تحلیلش بپردازند.

هرچند که بسیاری از مباحث بصورت دست نخورده باقی مانده و جای بحث هر یک خالی است لیکن مسئله توسعه اقتصادی و ترویج فرهنگ توسعه مهمترین لازمه نیل به جامعه آرمانی است و این بحث حتی می تواند در شکل یک روضه خوانی با مردم مطرح شود تا در نتیجه آن اولاً حتی سطوح پائین جامعه با جامعه آرمانی جمهوری اسلامی آشنا شوند ثانیاً امکان شرکت وسیع در طرح توسعه و فرصت تنظیم افکار فراهم گردد و این موضوع وحدت نظری را میان مردم و دست اندرکاران را بوجود خواهد آورد و موجب خلاقیت در بین طراحان نظام می شود که خود این مسئله امکان دستیابی به جامعه آرمانی را بیشتر خواهد کرد.

ما امیدواریم جهاد همانطور که موفق به انتقال فرهنگ اسلامی و جنگ به روستاها شده است بتواند فرهنگ توسعه را نیز به همان ترتیب القا نماید و روستاها نیز بتوانند همچون دفاعشان از انقلاب و جنگ در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز رسالت خود را ایفا کنند. البته انتقال فرهنگ توسعه در گروه آموزش روستائی در همه ابعادش بوده و برای آن باید از قالبهای ساده ای استفاده جست. چنانچه باید هم علم، تخصص و

*** از دیدگاه قرآن جامعه توسعه یافته جامعه ای است که مضاف بر سه مشخصه آمن، اطمینان و وسعت رزق حائز مشخصه چهارمی است که مشخصات قبلی را تحت تاثیر قرار می دهد و آن برخورداری از عامل رشد و جهت دهنده جامعه بسوی خدا است.**

استفاده از ابزار توسعه به روستائیان ارائه و هم مفهوم توسعه و دیدگاه جمهوری اسلامی از جامعه آرمانی و جایگاه روستا در آن جامعه مشخص شود و روستائی با آموزش همگام با روند توسعه رشد کند چرا که رشد کیفی روستا می تواند توسعه کمی را در راستای جامعه توسعه یافته اسلامی فراهم آورد و گرنه توسعه در مراحل تکامل خود به بن بست می رسد و روستا هویت اصلی خود را از دست خواهد داد لذا باید در انتقال فرهنگ توسعه جهاد کرد جهادی بنام جهاد توسعه.

سازماندهی و تخصص

در جوامع رو به گسترش بدلیل آنکه عرصه فعالیتها پیچیدگی یافته و اشکال تخصصی تری بخود می گیرد، بناچار وظایف برای گذران امور تفکیک و تقسیم بندی بیشتری می شود. امروزه در کشور ما و سایر ممالک بر اثر انجام کارها در بخشهای مختلف، سازمانها و مدیریتهائی بوجود آمده است که اگر قرار بر انجام کار بر اساس سلسله مراتب در همه این سازمانها چه در شهر و چه در روستا باشد، هر چند آن کار ساده هم باشد باید با هر سازمان بگونه ای برخورد شود، خصوصاً اینکه در روستا که محیط کوچکی می باشد و جای این تعداد سازمان را ندارد، برای حرکتهای شتاب آور به سمت توسعه هماهنگی آنها مشکلات زیادی را در بر خواهد داشت. حال برای مدیریت و

*** در کشورهای ظاهراً توسعه یافته، وفور اقتصادی و حاکمیت بر اساس جهانخوارگی و جذب منافع، در کل حاکمیت آنان خوف بوجود آورده و لباس عدم امنیت و نزلزل سیاسی آنان را احاطه می کند و خود بر این ادعا اعتراف دارند.**

سازماندهی مناسب برای مناطق روستائی چه الگویی پیشنهاد می شود؟
از جمع بندی نظراتی که تاکنون داده شده است سه رقم سازماندهی پیشنهاد شده است:
الف — شکل مرکزی:

از قبل از انقلاب ایجاد سازمانهای برنامه ریزی متمرکز در کشور مطرح بوده است که سازمان برنامه و بودجه موجود نوع منحصر به فردی از آن در میان کشورهای جهان است که بسیار متمرکز بوده و سابقاً بسیاری از اختیارات برنامه ریزی در خارج از محیط سازمان انجام می شده است که این سازمانها با همه اختیاراتی (که اگر داشته باشند) بشکل سازمان مرکزی کارها را انجام می دهند و باید برنامه ریزی توسعه را انجام داده و دستگاههای دیگر مسئول اجرای آن هستند.

ب — شکل منطقه ای:

در این شکل در هر منطقه اداراتی وجود دارند در عین حال که مسئولیت مدیریت هر منطقه را به گردن دارند مسئولیت اجرائی برنامه ها را نیز بعهده دارند. بنابراین، این ادارات هم حاکمیت سیاسی به دستشان است و هم مدیریت منطقه ای را انجام می دهند، از طرفی برنامه ریزی نیز بنحوی به خود آنان بازمی گردد و مسئول برنامه ریزی استان خود می باشند و این در حالی است که ما از سازمان برنامه و بودجه بعنوان مرکز مستقلى بهره میجوئیم.

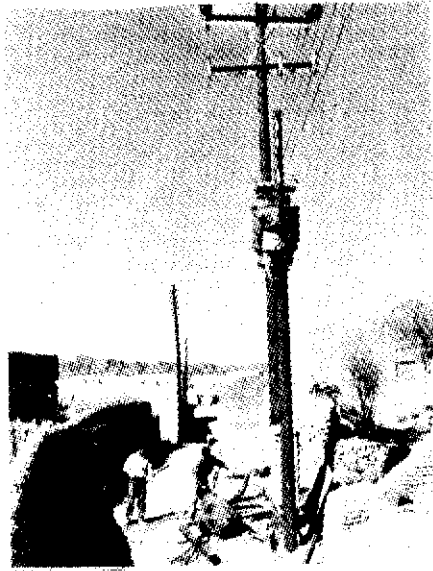
ج — سازمانهای ویژه:

در این شکل به ادارات و یا سازمانهای خاص مأموریتهای ویژه ای داده می شود که در جهت توسعه مسئول پیاده کردن تمام پروژه های توسعه بوده و تمام اعمالی را که برای توسعه یک منطقه باید انجام گیرد را انجام می دهند.

حال باید از میان سه پیشنهاد فوق برای مناطق روستائی یک نمونه انتخاب شود. بواسطه تجربیاتی که جهاد بدان رسیده است بنظر ما مدیریت و سازماندهی باید نمونه ای از میان دو الگوی «ب» و «ج» باشد. البته به لحاظ تفکیک وظایف جهاد برای توسعه مناطق روستائی بوجود آمده است. اما بنظر می رسد که اگر بتوان مدیریتهای محلی را با شکل سازماندهی توسعه محلی ادغام کرد از تعدد دستگاهها جلوگیری خواهد شد و در غیر این صورت مشکلات زیادی بوجود خواهد آمد.

اگر قائل به تشکیل سطوح مشخصی از

— در اجراییات تحرک، پویائی و انگیزه خود را با توجه به مشکلات کار در روستا حفظ کنند.



— تحرک کافی همگام با حرکت سریع مردم را داشته باشند.

تجربیات جهاد در زمینه برنامه ریزی منطقه ای

موفقیت برنامه ریزی ملی در برخورد با ذهنیات روستائیان و درک واقعیات زندگی روستائی و پاسخ دادن به نیازها و آرزوهای روستائیان از سوی برنامه ریزان مرکز است پس باید مکانیزم پویائی را یافت و این وظیفه سازمانهای توسعه جامع در سطح منطقه است و حلقه وصل کننده میان برنامه ریزی در سطح ملی و واقعیت در سطح روستائیان، جهادهای دهستان است.

جهاد پس از تجربه فعالیت در روستا به نقش دهستان بعنوان منطقه و یک سطح معقول جهت ارائه خدمات تمرکز بخشیدن به مشارکت مردم در برنامه ریزی و ارائه خدمات اساسی پی برده است. وجود جهاد دهستان در آن شکل مدیریت توسعه بخوبی می تواند برنامه ریزی منطقه ای را تحقق بخشد و ما معتقدیم پی گیری برنامه ریزی توسعه منطقه ای روستائی در مقاطع شهرستان و استان و کشور باید بعهده جهاد سازندگی باشد.

در کاری که جهاد از آغاز تاکنون انجام داده است، مسئله ای که در آغاز بحث در مورد توسعه یافتگی گفته شد مد نظر بوده است و میتوان گفت که این یکی از رموز موفقیتهای جهاد بوده است. بطور خلاصه منظور حضور روحانیت در کنار فعالیت برای توسعه اقتصادی است که در این سازمان آمیختگی عجیبی میان انگیزه های فرهنگی و توسعه اقتصادی وجود دارد. نقش

دستگاههایی باشیم که برای کار توسعه اقتصادی — اجتماعی و امور اجرایی بوجود می آیند بهتر می توان در مدیریت روستا وارد شد و نحوه عمل آن بدین شکل خواهد بود که بخشی از کارهای مرتبط به یکدیگر را که منسجم هستند در سازمانهای فعال برای توسعه منطقه متمرکز شده و سعی شود که برنامه ریزی در سطح توسعه محلی به همین دستگاهها واگذار گردد و از سطح مناطق و بطور محلی (مراکز دهستان) به بالا در مجاری اصلی خود یعنی در برنامه ریزی کل کشوری پی گیری شود (که این بحث در نحوه برنامه ریزی پنجساله نیز مطرح گردیده است).

اما آنچه مشخص است این است که چه در طرح آزمایش و چه در برنامه پنجساله آنچه وجود ندارد بحوث شخصی از روستا است و دلیل آن نیز این است که آنچه که اینگونه برنامه ریزها را بوجود آورده است، مرکزیت و بررسی کلان برنامه بوده است. حال چگونه می توان این تضاد، تراحم و تضاد را که بین برنامه ریزی محلی — منطقه ای و ملی وجود دارد، از بین برد احتیاج به بحث مفصلی دارد. بنظر ما اگر قرار است توسعه روستا محوریت خود را حفظ کند باید سازمانهای مختلف که از بخشهای اقتصادی تشکیل شده اند برنامه ریزی را در سطح منطقه ای (دهستان) بعهده بگیرند. این سازمانها، سازمانهای توسعه نام دارند و در این زمینه جهاد سازندگی تجربیاتی دارد که متأسفانه از آن استفاده نشده است.

نکته قابل توجه این است که در سایر کشورها برای حل مشکلات پیش آمده از تعدد تفکیکات و سازمانها، ادارات جدیدی بنا شده اند و ما نباید این تعددات را بوجود بیاوریم و سپس دست به گریبان مشکلات و پیآمدهای آن باشیم. که آن روز ممکن است این چرخ دنده ها چنان بهم گیر کنند که خودشان را از بین ببرند.

خصوصیات بارز سازماندهی منطقه ای (با توجه به تعاریف ذکر شده):

- بهتر بتوانند با مردم کار کنند.
- بهتر بتوانند فرهنگ توسعه را منتقل کنند و امکان مشارکت مردم را بوجود آورند.
- پیوند عقیدتی و سیاسی با مردم داشته باشند.

روحانیت در جهاد چه نقش نظارتی و چه هدایتی و چه حضور در تمام ابعاد فعالیت در ایجاد مشارکت در مسائل توسعه و در تحول روستائی بدنیاال تحول اقتصادی بسیار موثر بوده است. چنانچه امام امت نیز اشاره فرمودند که «فعالیتهای جهاد همانند بذری بوده است که در دل هر روستائی کاشته شده و او را پاسداری برای مکتب و سر بازی برای انقلاب کرده است». این موضوع ابزار بسیار مناسبی برای توسعه خواهد بود و باید که در تمام کارهای اجرایی از این مسئله بهره جوئید که می تواند تضمین کننده مشارکت مردمی باشد و لازمه حرکت ما در توسعه خواهد بود. البته این نکته قابل ذکر است که باید اذعان داریم هنوز بدردستی موفق به استفاده از مردم و امکانات مادی آنان در باب توسعه نشده ایم. باید که از مجموعه روستائیشینان گروههای خود یاری برای توسعه مناطق روستائی بوجود آوریم، تا جوشش، تمایل و توانائی در روستاهایمان پدید آید. تا خود روستائیان به سمت توسعه مناطق خود حرکت کرده و خود در برنامه ریزی و اجرای کارهایشان فعالیت کنند.

البته سهم اعتباراتی را که جهاد در طی این چند ساله مصرف کرده است از سهم دستگاههای مشابه در این بخشها بسیار کمتر بوده است و جلوه بیشتر حرکتهای جهاد نسبت به سایر ارگانها بدین دلیل بوده است که بیش از اثرات مادی، تأثیرات معنوی ای بر حرکت مردم گذارده است. امروز روستائی می فهمد که نیاز اصلی و نحوه تأمین نیازهایش چیست؟ و چگونه می تواند همیاری در کارها را انجام دهد. اگر بتوان به این مسئله جهت داد یک حلقه واسطی بین حرکت و دولت بعنوان منبع مالی و امکاناتی کشور توسط سازماندهی بنام بسیج فراهم خواهد شد.

گفته شد که برای سازماندهی از دو مکانیزم ب و ج استفاده خواهد گردید یعنی هم روستائیان در اجرای پروژه ها کمک می نمایند و هم مدیریت را تقبل می کنند و انگیزه نظارت و پی گیری در بینشان بوجود می آید و موضوع مهمتر پیوند نیروهای شهری و روستائی است که بوجود می آید و تخصصهای مورد نیاز روستا از شهرها جذب خواهند شد و بسیج شهر به روستا خودبخود انجام خواهد گرفت و نهایتاً اگر این پیوند تحکیم یابد، روستائیان می توانند سازمانهای مورد نیازشان را

نگاهی به ابعاد تلاشها و تجربیات جهاد سازندگی
بقیه از صفحه ۵۹

متخصصین و کارشناسان کسبه و بازاریان و شهری و روستائی در اجرای طرحهای تولیدی و عمرانی روستاها است. با در نظر گرفتن وسعت و یرانی ها و خرابی ها و گستردگی برنامه های لازم الاجرا در رابطه با توسعه روستاها و دست یابی به خود کفائی، و کمبود اعتبارات و امکانات دولتی و رسمی بکارگیری امکانات و نیروهای مردمی در اجرای پروژه ها و طرحهای سازندگی بسیار با اهمیت و موثر می باشد.

وجود روحیه اعتماد و اتکاء به نفس و جسارت و ورود به میدانهای جدید فعالیت:

جهادگران جهاد سازندگی در اثر عشق و اعتقاد به مبانی اسلام عزیز و اهداف انقلاب شکوهمند اسلامی ایثارگرانه فکر و اندیشه، و قدرت و توان خود را در عرصه های مختلف دفاع و تداوم انقلاب بکار گرفتند و هر جا که ضرورت ایجاد نمود حاضر شدند تا موانع پیروزی و رشد و پیشرفت را از سر راه بردارند.

حضور گسترده و چشمگیر جهاد سازندگی در جنبه های تیرد با متجاوزین بعثی و خلاقیتها، ابتکارات و جانفشانی جهادگران در میدان دفاع از شرف و اقتدار میهن اسلامی بر کسی پوشیده نیست. در عرصه های تولیدی و اقتصادی نیز تاکنون حماسه های بزرگی بدست توانمند جهادگران آفریده شده و کارهایی که هرگز تصور آن نمی رفت بتوان توسط نیروها و امکانات داخلی به انجام رساند به همت آنان انجام پذیرفته است.

اجرای طرح سیلوا که تا قبل از انقلاب در انحصار چند شرکت چند ملیتی در سطح جهان بود، طراحی و اجرای پروژه های سد، بند و کانال های بزرگ انتقال آب، زهکشی های عظیم و..... از جمله اقدامات چشمگیری است که نشان میدهد در جهاد سازندگی امکان رشد و خلاقیت و شکوفائی استعدادها موجود بوده و جسارت گام نهادن در میدانهای پیچیده و عظیم فعالیت نیز در روحیه جهادگران هست.

آنچه به اختصار برشمرده شد مواردی از نکات برجسته موجود در حرکت جهاد سازندگی میباشد که به خواست خدا در آینده یک یک آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

*** از جمع بندی نظراتی که در باب برنامه ریزی توسعه مناطق روستائی داده شده است سه رقم سازماندهی به اشکال مرکزی - منطقه ای و سازمانهای ویژه داده شده است که براساس تجربیات جهاد از بدو تأسیس تا کنون تلفیقی از شکلهای دوم و سوم بصورت ادغام مدیریتهای محلی با سازمانهای توسعه محلی، مقبولتر واقع خواهد شد.**

اساسی برخوردار است که ابتدائاً باید شروع تفکر توسعه را با تأمین حقوق توسعه فراهم آوریم. ما باید که نحوه سازماندهی توسعه روستائی و محوریت روستا را قانونمند کنیم.

اگر از تدوین یک قانون در حفظ حقوق توسعه مناطق روستائی شروع کنیم بسیار نقطه شروع مناسبی در راهگشائی جایگاه روستا در برنامه ریزی رشد و توسعه ملی کشور خواهد بود و بدون این تعیین قانونی، بنظر می رسد الگوی توسعه شتابان صنعتی با همه شکست عملی خود در جهان سوم همچنان الگوی حاکم در برنامه ریزی رشد و توسعه ملی کشور خواهد بود که فاجعه آن چیزی بیش از توسعه صنایع وابسته، ایجاد وابستگی بیشتر، افزایش مهاجرت، از بین رفتن تولید کشاورزی و تراکم طبقات فقیر و محروم در جامعه و نهایتاً تزلزل سیاسی و عدم امنیت در حاکمیت سیاسی بوجود خواهد آمد. امید است این کنفرانس نقطه شروع خوبی برای تدوین حقوق توسعه مناطق روستا باشد.

خود بوجود آورند، اشکالی از سازماندهی بصورت تعاونیها وجود دارد که البته هنوز شکل موفق آن را تجربه نکرده ایم ولی بنظر می رسد که اگر سازمانهایی بدین شکل بتوانند با تخصصهای شهری پیوند یابند در کوتاه مدت گروههای خود کفائی ساخته خواهد شد که در صورت استفاده از اعتبارات بانکی و تضمینات دولتی در کنار آن سازمانها، حجم سرمایه گذاری و نیروئی که باید در مناطق روستائی بکار گرفته شود، چندین برابر خواهد گردید که در نهایت ایجاد سازمانهای محلی که برای هدایت و ارشاد این گروههای همیار بوجود آمده با اعتبارات خود یا بانکی در توسعه وارد می شوند. در اینجا باید از نقش حساس سازمانهای محلی شوراهای اسلامی روستا در تشکل روستائیان و هدایت و ارشاد و مدیریت گروههای همیار استفاده کرد که جهاد در این زمینه دارای تجربیات بسیار موفق در مشارکت مردم روستائی در توسعه و عمران روستا داشته است.

شوراهای اسلامی روستا:

- ۱- تبلور خواست ها و توانائیهای روستائیان است.
 - ۲- مدیر مقبول در سطح روستا است.
 - ۳- تنظیم کننده روابط بین دولت و مردم است.
 - ۴- حلقه واسطه مردمی در بسیج و مشارکت مردم توسط دولت است.
 - ۵- دستگاه هدایت کننده و ارشاد و هادی فرهنگ توسعه در روستاست.
- البته حرکت دیگری نیز وجود دارد که اتکا کمتری به دولت داشته و بیشتر از منابع عمومی ارتزاق می کند که امیدواریم در کنفرانسهای آینده راههای مدیریت، سازماندهی و برنامه ریزی آموزش در کار توسعه مناطق روستائی به بحث و تبادل نظر کشانده شود تا راههای بهتر و بیشتری ارائه شده و هدف اصلیمان که متأسفانه هنوز تحقق پذیرفته است در زمینه کشاورزی و صنعت جامه عمل بپوشد و حداقل بتوان اطمینان داشت بواسطه ایجاد اشتغال در بخش صنعت، خدمات و کشاورزی و شناسائی امکانات، استعداد و توانائیهای مناطق روستائی همچون وضع فعلی در بیست سال آینده نیز نیمی از جمعیت کشور روستائی باشند.
- در هر نوع توسعه حقوق و قانون توسعه از نقش